

تأملی در نظریه سید مرتضی (ره) و آیت الله فاضل لنکرانی (ره) در خصوص وجوه اعجاز قرآن

فاطمه مجاوری *

چکیده

بحث اعجاز قرآن میان مفسران و اندیشه‌وران، بحثی پراهمیت است و در این باره متون فراوانی نگاشته شده، اما همیشه در مورد وجوه آن اختلاف نظرهایی وجود داشته است. تعریف اصطلاحی «معجزه» و شروط استقرار آن از عواملی است که مبنای محققان را در انتخاب وجه اعجاز تغییر می‌دهد. در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی دیدگاه سید مرتضی (ره) و آیت الله فاضل (ره) در خصوص وجوه اعجاز قرآن بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان داده است که دیدگاه سید مرتضی (ره) به این دلیل که تحدی را جزء شروط اعجاز نمی‌پذیرد و هیچ گونه وجهی برای تحدی در قرآن ذکر نمی‌کند، با دیدگاه آیت الله فاضل (ره) کاملاً متفاوت است. آیت الله فاضل (ره) برخلاف وی تحدی را از شروط اصلی اعجاز شمرده و آیات تحدی را بیان‌کننده وجوه مختلف اعجاز دانسته، وی هم چنین آیات بسیار دیگری را نیز با وجود عدم تحدی قرآن، مبین وجوه اعجاز ذکر کرده است.

واژگان کلیدی: معجزه، وجوه اعجاز، تحدی، صرفه، سید مرتضی (ره)، فاضل لنکرانی (ره).

مقدمه

از مباحث پردامنه علوم قرآنی، موضوع «اعجاز» است. همه مسلمانان به اعجاز قرآن کریم اعتقاد دارند، اما میان آن‌ها در [مورد] این که اعجاز در کدام وجه از وجوه عالی قرآن واقع شده [است] اختلاف نظر وجود دارد. از بین نظریات دانشمندان، سیوطی توانسته ۳۵ وجه از وجوه اعجاز قرآن را برشمرد (سیوطی، بی تا، ج: ۱، ۱۲) و رضایی اصفهانی نیز ۸۱ بُعد از ابعاد اعجاز قرآن را جمع‌آوری کرده است. (روحانی، ۱۳۹۴: ۲۳۹)

سیدشریف مرتضی علم‌الهدی از دانشمندان و ادیبان قرن پنجم هجری (م ۴۳۶ق) از کسانی است که در کتاب‌های مختلف خود مفصلاً به بحث اعجاز قرآن پرداخته است. وی در کتاب الموضح، ابتدا تعریفی دقیق از «معجزه» می‌آورد و شروطی نیز برایش مطرح می‌کند و سپس وجوه مطرح شده توسط عالمان مسلمان را بر تعریف خویش و شروط آن تطبیق می‌دهد و اکثر وجوه را در مطرح شدن به عنوان «وجه اعجاز» بی اعتبار می‌داند و نهایتاً نظریه خود را با نام «صرفه» تشریح می‌کند.

گفتنی است ایشان در کتاب الموضح تأکید می‌کند بین این که قرآن از باب فصاحت معجزه باشد یا نظم یا اخبار غیبی، و یا صرفه و... تفاوتی نیست و مهم این است که همه مسلمانان بدون استثنا قائل به اعجاز قرآنند و این فضیلتی از فضایل قرآن محسوب می‌شود، چرا که معجزات سایر انبیا این گونه نبوده و جهت دلالت معجزات آن‌ها واحد بوده است. (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۴۵)

از علمای معاصر، آیت‌الله شیخ محمد فاضل لنکرانی از مشاهیر علمی و اعظم حوزه‌های علمیه قم نیز در اثری ماندگار به نام مدخل التفسیر به طور

مبسوط به مبحث اعجاز و ابعاد مختلف آن پرداخته است. ایشان پس از تعریف حقیقت «معجزه»، وارد بحث «اعجاز» می‌شود و از آیات تحدی در اثبات آن کمک می‌گیرد. وی سپس به بیان وجوه مختلف اعجاز قرآن می‌پردازد و نهایتاً به برخی شبهات در این مورد پاسخ می‌دهد. در این کتاب از تعبیر «صرفه» به صراحت یاد نشده است، اما با دقت در مضمون کتاب و وجوه مختلف اعجاز قرآن که ایشان مطرح می‌کنند، می‌توان به عدم مقبولیت این نظریه نزد وی پی برد.

پیشینه

«اعجاز» به معنای عام که به مفهوم بینه‌ای بر صدق نبوت انبیاست، قبل از رسول‌الله (ص) و هم‌زمان با تمام پیامبران گذشته وجود داشته و همیشه مورد توجه بوده است. پیشینه مبحث اعجاز قرآن، هم‌عصر با نبوت رسول‌الله (ص) است، لکن مقوله «وجوه اعجاز قرآن» قدمت کمتری نسبت به عصر نزول دارد. ادبیات و آثار پدیدآمده تا میانه قرن سوم هجری، توجه روشن و درخوری به موضوع «اعجاز قرآن» نشان نمی‌دهد [و] در عوض، آثار کلامی، قرآنی و تفسیری از قرن پنجم به بعد شاهد طرح مفصل مسئله «اعجاز قرآن» و تبیین وجوه آن است. (کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۱۵) در حقیقت، نخستین بذره‌های اندیشه اعجاز قرآن را باید در مجادلات کلامی مسلمانان با یکدیگر یا سایر ادیان همچون یهودیت و مسیحیت دانست. (درزی، ۱۳۹۵: ۱۶)

شریف مرتضی از علمایی است که به‌طور مبسوط در بعضی کتاب‌های خود، از جمله الموضح عن جهة اعجاز القرآن، الذخیره و الرسائل به موضوع

اعجاز پرداخته و وجوه آن را شرح داده است. پیرامون نظریات وی، مقالات و کتاب‌های متعددی نوشته شده و گاه بدون تحقیق و بررسی اقوال ویژه سید در این باره، سخن او و دیگر قائلان [نظر او] را یک‌جا باطل دانسته‌اند. (نادری، ۱۳۹۰: ۱۱)

بعضی کتاب‌ها و مقاله‌ها نیز کوشیده‌اند با دلایل قوی‌تر به مقابله با نظر ایشان در باب وجوه اعجاز قرآن بروند. از جمله آن‌ها، کتاب «المعجزة/الخالدة» نوشته هبة الدین شهرستانی است که در مکتبه الجوادیه شهر کاظمین منتشر شده است. نویسنده در این کتاب به اذعان خود، تنها به احترام شخصیت علمی سید مرتضی (ره) به بحث «صرفه» پرداخته است. «اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ شیعه» نوشته سیدرضا مؤدب کتاب دیگری است که انتشارات احسن الحدیث آن را چاپ کرده است. وی در کتاب خود کوشیده است با دلایل بیشتری نظریه شریف مرتضی را نقد کند. در واقع می‌توان گفت اکثر مفسرانی که به بحث «اعجاز» وارد شده‌اند، ولو به صورت گذرا به مبحث «صرفه» و دیدگاه شریف مرتضی نیز پرداخته‌اند.

علاوه بر کتاب‌های یادشده، مقاله‌های متعددی هم به بررسی دیدگاه سید مرتضی (ره) پرداخته‌اند؛ از جمله: «آرای سید مرتضی در وجه اعجاز قرآن»، (نادری، ۱۳۹۰، ش ۳۳)؛ «جایگاه کتاب الموضح در تبیین وجه اعجاز قرآن»، (پهلوان، ۱۳۸۴، ش ۳۰ و ۳۱)؛ «بررسی اندیشه سید مرتضی در فصاحت و نظم قرآن» (شرعیاتی، ۱۳۸۸، ش ۳) و سایر مقالات از این دست که ذکر آن‌ها از گنجایش مقاله خارج است.

بیشتر نظریات آیت‌الله فاضل دربارهٔ اعجاز و وجوه آن در کتاب ارزشمند *المدخل التفسیر* است. هم‌چنین علاوه بر آن در مقاله‌های متعدد، بعضی از وجوه مورد قبول ایشان در باب اعجاز، نقد و بررسی شده است و در مواردی، نویسندگان مقاله‌ها برای اثبات مضامین متن خویش، از تقریرات ایشان بهره برده‌اند؛ از جمله: «اهداف گزاره‌های علمی قرآن» (فغفور مغربی، ۱۳۸۷، ش ۲)؛ «مقدمه‌ای در اعجاز معنایی قرآن کریم» (مصلائی‌پور و محمدنام، ۱۳۸۹، ش ۷) و «معیارشناسی مثلیت در آیات تحدی قرآن» (نجا‌زادگان و شاه‌مرادی، ۱۳۹۱، ش ۸۸)

همان‌طور که عناوین آثار یادشده نشان می‌دهد، تابه‌حال نه به طور مستقل و نه در باب مقایسه آرای آیت‌الله فاضل (ره) و دیگران، خصوصاً شریف مرتضی که اختلاف گسترده‌ای در بحث وجوه اعجاز قرآن با هم دارند، مطلبی منتشر نشده و از این‌رو در این مجال، تأملی در نظریات این دو عالم بزرگ در این زمینه صورت گرفته است.

مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به مباحث اصلی لازم است واژه‌های پرکاربرد متن بررسی و تبیین گردد.

الف) اعجاز

«اعجاز» از مادهٔ «عجز» است که لغویان معانی گوناگونی چون ضعف و ناتوانی (ابن‌منظور، ج ۹: ۵۸)؛ درنگ کردن و تأخیر داشتن (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۵۵۳)؛ پایان و مؤخر چیزی (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۸۸۳) و فوت و ازدست‌رفتن (طریحی، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۱۲۴) برای آن بیان کرده‌اند. با

دقت در این معانی می‌توان گفت معنای اصلی ماده «عجز»، ضعف است و معانی دیگر از آن جهت که سبب و نتیجه ضعف است به آن بازمی‌گردند. واژه «اعجاز» از باب افعال و به معنای ناتوان کردن است، (خوری، ۱۴۱۴ق: ۷۴۷) به این دلیل که آورنده معجزه، دیگران را از آوردن مثل آن ناتوان می‌کند و ضعف آنان را برای انجام [دادن] آن آشکار می‌سازد. (مسترحمی، ۱۳۸۹، ش ۷: ۹۶)

در قرآن کریم، لفظ «اعجاز» و «معجزه» به این معانی به کار نرفته و به جای آن، از الفاظی چون «آیه»، «برهان» و «سلطان»^۱ استفاده شده است. (حمصی، ۱۳۷۴ق: ۷) این کلمات نه مترادف با «معجزه» هستند و نه معنای اعجازی را که از واژه «معجزه» دانسته می‌شود، بیان می‌کنند. با تورق کتاب‌های مختلف و مطالبی که در این خصوص نوشته شده، درمی‌یابیم که هر یک از دانشمندان به گونه‌ای متفاوت به تعریف اصطلاحی «معجزه» و وجوه آن پرداخته‌اند. (رضوی، ۱۳۸۱: ۱۵)

ب) تحدی

در لغت برای لفظ «تحدی» معانی مشابهی گفته شده است؛ از جمله «پی‌دگیری رفتن»، چنانچه گفته می‌شود «فلانی با دیگری مسابقه گذاشت و برای غلبه با او به معارضه پرداخت». (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۷۹)؛ [هم‌چنین] دعوت نمودن دشمن به نبرد و پیروزی بر او (صفی‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۳۰) و نیز حرکت دادن ابرها به یک سمت و مسابقه و مبارزه با

۱. مثلاً در آیات ۱۰۱ سوره اسراء، ۳۲ سوره قصص و ۱۹ سوره دخان این کلمات با همین معنا آمده است.

دیگری در کاری. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۵) به هر حال در معنای این واژه، دعوت کردن به مبارزه نهفته است (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۹۶).

این واژه در اصطلاح، عبارت است از معارضه با قرآن که مهم‌ترین معجزه پیامبر اسلام (ص) است، نه معارضه با سایر معجزات آن حضرت. لذا می‌توان گفت نسبت میان معنای لغوی و اصطلاحی نسبت عموم و خصوص مطلق است، زیرا تحدی در لغت، عام است و اختصاصی به قرآن ندارد، ولی در اصطلاح، معارضه با قرآن مجید است که در آیاتی چند از کافران دعوت به عمل آمده است. (میر محمدی، ۱۳۷۱: ۳)

ج) صرفه

«الصرفه» و «الصرف» مصدر «صَرَفَ» است. لغت‌دانان در توضیح ماده «صرف» و اشتقاق آن فراوان نوشته‌اند، اما در پیشینه اشتقاق، حقیقت این ماده به یک معنا بازگشت دارد و آن، بازگرداندن چیزی از جهتی به جهت دیگر یا تبدیل کردن و تغییر دادن چیزی از حالتی به حالت دیگر است. (صفرزاده، ۱۳۹۵: ۱۵۶ به نقل از کتاب‌ها العین و مقایس اللغة)

قائلان به مذهب صرفه، به آیه ۱۴۶ سوره اعراف: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ...» تمسک می‌کنند و می‌گویند: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ» به معنای «سَأَصْرِفُ عَنْ إِبْطَالِ دَلَائِلِ» یا به معنای «سَأَفْسُخُ عَزَائِمَهُمْ عَلَى إِبْطَالِ حُجَجِي بِالْقَدَحِ فِيهَا وَ إِمْكَانِ تَكْذِيبِهَا» است. (غروی، ۱۳۷۹: ۷۵).

تفسیر سه گانه‌ای درباره نظریه صرفه وجود دارد: اول، «صرف» به معنای سلب دواعی و انگیزه‌های معارضه با قرآن است. دوم، «صرف» به معنای سلب ابزار معارضه، یعنی سلب علوم و معارف لازم برای معارضه با قرآن و یا سلب توفیق تحصیل این علوم است. سوم، «صرف» به معنای این است که

تأملی در نظریه سیدمرتضی (ره) و آیت‌الله فاضل لنکرانی (ره) در خصوص وجوه اعجاز قرآن ۱۲۵

خداوند با این که اراده و ابزار معارضه با قرآن در انسان‌ها هست، جبراً آن‌ها را از این کار منع می‌کند و جلوی اعمال اراده آن‌ها را می‌گیرد. (غرویان، ۱۳۷۹: ۷۵).

سید مرتضی (ره)، تفسیر دوم از تفسیرهای سه گانه فوق را برمی‌گزیند و معتقد است خداوند، علوم و معارف لازم برای معارضه را از شخص معارض سلب می‌کند. (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۸۸)

تعریف معجزه و شروط آن از منظر سید مرتضی (ره) و آیت‌الله فاضل (ره)

سید مرتضی (ره)، معجزه را چنین تعریف می‌کند: «آنچه خداوند برای تصدیق ادعای نبوت پیامبر انجام دهد». وی در شرح این تعریف، سه شرط اصلی برای معجزه قائل می‌شود و معتقد است هر سه شرط باید به صورت هم‌زمان موجود باشند. این شروط عبارت‌اند از:

۱. از افعال خداوند باشد؛
۲. برای مخاطبانی که بین آن‌ها ظهور پیدا کرده است خرق و ناقض عادت باشد؛

۳. خداوند آن را به مدعی نبوت برای تصدیق ادعایش اختصاص داده باشد. ایشان در نهایت می‌گویند: «خرق عادت بودن برای اعجاز، لازم، اما کافی نیست و معجزه از جهت ذات یا صفات مخصوص خودش باید به گونه‌ای باشد که امکان نسبت دادن‌اش به غیر خداوند وجود نداشته باشد». (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۹۹)

آیت‌الله فاضل (ره) تحت عنوان «حقیقت معجزه»، معجزه را پدیده‌ای خارق‌العاده می‌داند که فرد مدعی منصب الهی، آن را انجام می‌دهد؛ امری که قدرت بشر به هیچ وجه راهی به آن نداشته باشد. هر چند معجزه از جهت نظری و علمی، نتیجه یقینی و مؤثری داشته باشد، خارج از چهارچوب امور عادی و طبیعی و فراتر از قدرت بشر و اصول و قوانین علمی است و باید در برابر مبارزه طلبی‌ها سالم و بی‌خدشه بماند. شروطی که ایشان برای تحقق معجزه با این تعریف لازم می‌داند هفت مورد به شرح ذیل است:

۱. معجزه باید همراه ادعای نبوت باشد؛
۲. این ادعا برای تصدی منصب الهی، مثل نبوت یا مأموریت الهی صورت گیرد؛
۳. ادعای مذکور احتمال صحت و سقم داشته باشد؛
۴. معجزه نباید با اصول عقلی متضاد باشد؛
۵. همراه تحدی باشد؛
۶. در قبال معارضه، کاملاً سالم بماند؛
۷. با اراده و خواست مدعی نبوت انجام داده شود. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۸)

طبق این تعریف‌ها و شروط، «خارق‌العاده بودن»، «ارادی بودن»، «اختصاص داشتن به دعوی ارادی» و «به هدف اثبات صدق نبوت بودن» وجه مشترک هر دو تعریف است. شرط «فعل خدا بودن» در تعریف سید مرتضی نیز با عبارت «به هیچ وجه قدرت بشر در آن راه نداشته باشد» در تعریف آیت‌الله فاضل (ره) نزدیک به هم است، هر چند عبارت آیت‌الله فاضل (ره) کمی ضعیف است و این شبهه را مطرح می‌کند که فرضاً اگر

قدرت بشر راه ندارد، پس قدرت جن و ملک ممکن است در آن راه یابد. شروط دوم و سوم در تعریف آیت‌الله فاضل (ره) مرتبط با نفس ادعاست و درواقع قسیم شرط اول قرارمی‌گیرند و از دایره اصلی شروط خارج می‌شوند. سه شرط «عدم تعارض با اصول عقلی»، «همراهی با تحدی» و «سلامت در قبال معارضه» شروطی است که در تعریف آیت‌الله فاضل (ره) مزید بر تعریف شریف مرتضی (ره) است. شرط «عدم تعارض با اصول عقلی» مثل محال‌بودن اجتماع هم‌زمان وجود و عدم و نیز شرط «سلامت در قبال معارضه» جزء واضحات محسوب می‌شود و هر متفکری بر این دو شرط اعتراف دارد؛ ازاین‌رو نیاز به تفصیل بیشتر ندارد.

بنابراین شرط مورد اختلاف این دو دانشمند بزرگ، «همراهی معجزه با تحدی» است که در مباحث آتی، در مورد این تفاوت و اثرات آن در مبنای شناخت وجوه اعجاز سخن گفته خواهد شد.

ارتباط وجوه اعجاز و وجوه تحدی قرآن

شریف مرتضی، راه شناخت وجوه تحدی قرآن را تفکر بر مبنای دلیل می‌داند، زیرا قائل است نه در متن آیات و نه از جانب رسول خدا (ص) - چه در قول و چه در حالات ایشان - هیچ وجهی برای تحدی مشخص نشده است. (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۲۵۳) ایشان آیات ۸۸ سورة اسراء و ۱۳ سورة هود را نمونه می‌آورد و عدم وجود وجهی برای تحدی در آن‌ها را شرح می‌دهد و در ضمن، بیان می‌کند: «در موقع شنیدن آیات تحدی و غیر آن، هیچ مخاطبی از وجه تحدی سؤال نکرده و این مشخص می‌کند که وجه

تحدی قرآن مثل وجوه تحدی مردم همان زمان است که در عرف آن‌ها تحدی به فصاحت و نظم هم زمان بوده است. (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۳۹)

برخی محققان معاصر همانند سید مرتضی (ره) معتقدند در هیچ‌یک از آیات قرآن کریم، به‌ویژه آیات تحدی، از وجه آن سخنی به میان نیامده است. یکی از آن‌ها در این باره می‌نویسد: «تنها آیه‌ای که شاید ظاهر آن گویای وجهی باشد، آیه ۴۹ سوره قصص است:

«قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ «بگو اگر راست می‌گویید، کتابی از نزد خدا بیاورید که هدایت‌کننده‌تر از قرآن و تورات باشد تا من آن را پیروی کنم».

لیکن به نظر می‌رسد این آیه در مقام تحدی نیست و غرض آن امر دیگری است. (نادری، ۱۳۹۰: ۱۳)

ایشان در تأیید کلام خود به سخن علامه طباطبائی (ره) ذیل آیات ۴۳ تا ۵۶ سوره قصص استناد می‌کند که می‌فرماید: «سیاق آیات، شاهد بر این است که مشرکانی از قوم رسول خدا (ص) به بعضی از اهل کتاب مراجعه کردند و درباره آن جناب نظر خواستند و بعضی آیات قرآن که تورات را تصدیق کرده است نیز بر آنان عرضه کردند و اهل کتاب پاسخ دادند: آری، ما آنچه را قرآن در این باره آورده است را تصدیق می‌کنیم و به معارف حقّه قرآن ایمان داریم و اصلاً آورنده قرآن را می‌شناختیم، قبل از آن که مبعوث شود. مشرکان از این پاسخ اهل کتاب ناراحت شدند و به مشاجره با آنان پرداختند و گفتند این قرآن، سحر و تورات شما هم مثل آن سحر است؛ هر دو سحرند که یکدیگر را کمک می‌کنند و ما به هر دو کافریم». از این رو این آیه ۴۹ سوره قصص در پاسخ بهانه‌جویی‌های کافران

است که اگر راست می‌گویید، کتابی هدایت‌کننده‌تر از جانب خدا بیاورید که من (رسول‌الله(ص)) هم آن را پیروی خواهم کرد. (طباطبائی، ج ۱۶: ۴۷ و ۴۸) نتیجه می‌گیرد که ظاهراً آیه شریفه در مقام رد بهانه کافران است. خداوند برای رد بهانه به ایشان می‌گوید: «اگر شما دنبال هوای نفس نیستید و خواهان هدایت‌اید، کتابی هدایت‌گرتر از قرآن و تورات بیاورید». در ضمن، سیاق آیه مذکور نیز با لحن آیات تحدی متفاوت است و این خود می‌تواند مؤید مطالب مذکور باشد. (نادری، ۱۳۹۰: ۱۴)

نکته درخور توجه دیگر این است که آیه شریفه تأکید دارد از جانب خداوند کتابی هدایت‌گر بیاورید، نه این که مبارزطلبی کند و در مقابل کتاب خدا، معارضی از جانب جن یا انس بطلبد. درواقع «از جانب خدا آوردن»، نکته‌ای است که در مبارزه طلبی‌های قرآن ذکر نشده است و از قوانین آن محسوب نمی‌گردد. درضمن، رسول خدا قول تبعیت از آن کتاب الهی مفروض را به آن‌ها می‌دهد که در هیچ‌یک از آیات تحدی چنین سخنی نیامده است. پس با این قرائن، ظاهراً این آیه در مقام تحدی نیست.

بنابر آنچه بیان شد، شریف مرتضی وجه تحدی قرآن را - با بررسی عقل و تفکر - فصاحت و نظم به‌طور هم‌زمان می‌داند؛ یعنی اگر کسی با غیر از این دو موضوع با قرآن معارضه کند، درواقع در جایگاه حقیقی معارضه نکرده است و تلاشش ارزش مقابله ندارد. (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۳۵)

آیت‌الله فاضل (ره) در باب وجوه اعجاز و تحدی، نظری متفاوت با دیدگاه سید مرتضی (ره) دارد. وی در بحث «جاودانگی معجزه بودن قرآن» می‌گوید: «نبوت چه در ابتدا و چه در جهت خلود و بقا نیاز به اعجاز دارد، خصوصاً اگر بخواهد ابدی باشد. لذا بهترین شاهد و گواه مسئله را خود

قرآن دانسته و قائل است که خداوند در بسیاری از آیات، از جمله آیه ۸۸ سوره اسراء: «قُلْ لِّیْنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰی اَنْ یَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْآنِ لَا یَأْتُوْنَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیرًا» مبارزه طلبی کرده و همین بیانگر جاودانگی آن است. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۳۸)

ایشان در ادامه، ذیل آیه شریفه مذکور دو نکته ذکر می‌کند و آن هم این که اولاً: قرآن تمام اقشار مردم را به مبارزه طلبیده است، نه فقط گروه خاصی از متخصصان، مثل افراد فصیح و بلیغ؛ ثانیاً: قرآن ابعاد گسترده‌ای دارد؛ از جمله خداشناسی، نبوت، اخلاق، داستان و... سپس نتیجه می‌گیرد که قرآن تنها در یک بُعد خاص معجزه به شمار نمی‌رود. هم‌چنین به بیان وجوهی از اعجاز قرآن با استناد به آیات مرتبط می‌پردازد؛ از جمله: تحدی به آورنده کتاب، تحدی به عدم اختلاف، تحدی به «تبیان کل شیء بودن»، تحدی به اخبار غیب، تحدی به بلاغت، اعجاز معارف اعتقادی، اعجاز قوانین شرعی و اعجاز اسرار خلقت. البته یادآور می‌شود که در بعضی آیات، تحدی و وجه آن ذکر شده و در بعضی دیگر، بحث تحدی مطرح نشده و فقط وجه اعجاز بیان گشته است. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۴۲)

از مقایسه دیدگاه سید مرتضی (ره) و آیت‌الله فاضل (ره) درباره رابطه وجوه اعجاز قرآن با وجوه تحدی به دست می‌آید که سید مرتضی (ره) وجه تحدی و اعجاز را منطبق بر هم نمی‌داند. او معتقد است وجه تحدی را خدا و رسول (ص) مشخص نکرده‌اند و این کار بر عهده اندیشه گذاشته شده است. وی تشخیص وجه اعجاز را از بحث تحدی جدا کرده، همان‌طور که در تعریف اولیه اعجاز، شرط «همراهی با تحدی» را بین شروط اعجاز نگنجانده و از طریق بررسی و رد نظریات دیگران در این باب به نتیجه نهایی

خود، یعنی نظریه صرفه پرداخته است. در مقابل، آیت‌الله فاضل (ره) وجه اعجاز را اعم از وجوه تحدی و نیز دربردارنده غیر آن دانسته و وجوه متعددی برای اعجاز قرآن، چه در آیات تحدی و چه در غیر آن‌ها قائل شده است. وی نیز برخی نظریات دیگران و شبهات را بررسی کرده و به آن‌ها پاسخ داده است.

وجوه اعجاز قرآن از دیدگاه سید مرتضی (ره) و آیت‌الله فاضل (ره)

همان‌طور که بیان شد، در خصوص وجوه اعجاز قرآن بین محققان اختلاف نظر وجود دارد. سید مرتضی (ره) تنها به یک وجه اعجاز قرآن، یعنی «صرفه» اعتقاد دارد و آیت‌الله فاضل قرآن را از جهات گوناگون، معجزه می‌داند. در ادامه به تبیین دیدگاه هر کدام و ادله آنان پرداخته می‌شود.

الف) دیدگاه سید مرتضی (ره)

سید مرتضی، وجوه اعجاز قرآن را که دانشمندان و علما تا قرن پنجم مطرح کرده‌اند نمی‌پذیرد و در آن‌ها دلیلی بر «خرق عادت» و «از طرف خدا بودن» نمی‌بیند. ایشان وجه اعجاز قرآن را منحصر به «صرفه» می‌داند و در مقابل وجوهی که دیگران پذیرفته‌اند، مقاومت می‌کند و به تفصیل به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

معنای مد نظر ایشان در بحث اعجاز این است که خداوند، علوم مورد نیاز معارض را در زمانی که قصد معارضه می‌کند، از وی می‌ستاند و چون

این کار جز از قدرت لایزال الهی برنمی‌آید، فرد معارض متوجه آن می‌شود و به آن اذعان می‌کند.

همان‌طور که در تعریف «صرفه» گذشت، تفاسیر دیگری نیز برای صرفه گفته شده؛ از جمله: «سلب انگیزه» و «سلب قدرت»، لکن تفسیر «سلب علم» در زمان مبارزه فرد با قرآن، مورد قبول سید مرتضی واقع شده است، (معرفت، بی‌تا، ج ۴: ۱۳۷) هر چند آنچه او در تبیین مراد خویش مطرح می‌کند، چندان با جنبه اثباتی اعجاز قرآن در تعارض نیست. (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶۱)

وجوهی که شریف مرتضی آن‌ها را مورد نقد و مردود دانسته بدین شرح است:

۱. فصاحت و نظم

در باب فصاحت، ایشان معتقد است قرآن در زمان نزول، خارق‌العاده نبوده است، چرا که باید فاصله بسیاری بین فصحای عرب و فصاحت قرآن وجود داشته باشد، طوری که بدون نیاز به مراجعه به دانشمندان این علم بتوان این تفاوت را حس کرد. وی قرآن را در درجه والای فصاحت می‌داند و با ذکر مثال‌های قرآنی و شرح فصاحت عالی آن‌ها بیان می‌کند که آثار فصحای عرب هرگز به درجه قرآن نرسیده است، اما این مقدار فاصله بین قرآن و کلام فصیح‌ترین اعراب را خرق عادت حساب نمی‌کند. او تشخیص این مقدار فاصله را ویژه ادیبان زمان نزول ندانسته و آن را شامل حال همه انسان‌ها دانسته است. نهایتاً علت عدم پاسخ منکران به تحدی‌های قرآن را قدرت منع الهی می‌داند، چون اگر تشخیص تفاوت فصاحت‌ها بر عهده بزرگان و دانشمندان باشد، مردم عادی متوجه تفاوت‌ها نمی‌شوند و

ممکن است کسی بتواند آن‌ها را منحرف کند. پس خداوند، علوم مورد نیاز معارض را در زمان مبارزه از او سلب می‌کند تا موجبات انحراف مردم پدید نیاید. ایشان در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که حتی اگر بپذیریم فصاحت قرآن خرق عادت است، نمی‌توانیم آن را قطعاً به خداوند نسبت دهیم، زیرا چه‌بسا فردی از جنیان آن را تلقین کرده باشد تا فصاحت مردم زمان نزول را خرق کند، اما منع و صرف علوم، جز از قدرت لایزال الهی برنمی‌آید و شرط «فعل الهی بودن» از شرایط معجزه، مستقر می‌شود. (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۸۸-۹۵)

وی در تأیید همین مطلب در کتاب *طیف الخیال* خود، اشعاری از بزرگان عرب نقل می‌کند، فصاحت آن‌ها را می‌ستاید، درجه‌عالی ادبیات آنان را به تصویر می‌کشد و درنهایت بیان می‌کند که توان مقابله در بزرگان ادبیات عرب زمان نزول وجود داشته و باین حال، هرگز قلم قدرت‌مندشان به ادبیات قرآن نرسیده است. (سید مرتضی، ۱۹۵۵م: ۶۲-۹۵)

بنابر آنچه بیان شد، فصاحت به‌تنهایی نمی‌تواند وجه اعجاز قرآن باشد، چراکه این وجه به‌گونه‌ای نیست که با در نظر گرفتن آن، نسبت دادن قرآن به غیر خدا محال باشد. (نادری، ۱۳۹۰: ۱۸) بُعد نظم قرآن نیز همانند فصاحت، به‌تنهایی از وجوه اعجاز به‌شمار نمی‌رود، زیرا برتر بودن در نظم معنا ندارد و در باب سبقت در ابداع نظم نیز اگر سخنی گفته شود نارواست، چون در تاریخ، اولین فرد سراینده متن منظوم مشخص نیست، ضمن این که باید به اولین نظم ایجادشده لقب «معجزه» داد، درحالی که واضح است پس از متون نخستین، بارها شعرها و منظومه‌هایی سروده شده و

به مقابله با هم پرداخته‌اند. لذا از مالکیت شروط اعجاز خارج شده است.

(سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۴۳)

۲. اخبار غیبی

شریف مرتضی به سه دلیل، این وجه را از وجوه اعجاز نمی‌داند: اولاً:

قرآن به این وجه تحدی نکرده، چرا که در عرف عرب چنین مبارزه‌طلبی‌ای رایج نبوده است؛ ثانیاً: در قرآن، تمام آیات دارای اخبار غیبی نیستند که بتوان به تک‌تک آن‌ها تحدی کرد؛ ثالثاً: اخبار غیبی که از گذشته بیان می‌شوند ممکن است نقل از افواه باشد و اخبار آینده نیز تا زمان وقوع،

تصدیق‌شدنی نیستند. (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۱۶-۱۱۸)

۳. عدم اختلاف

هر چند این بُعد، از فضایل عالی قرآن محسوب می‌شود، شریف

مرتضی آن را به عنوان وجه اعجاز و خارق عادت نمی‌پذیرد و معتقد است

میان انسان‌ها نیز کسانی هستند که دقیق و متقن قلم بزنند و این دشوار است،

اما ناممکن نیست. (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۲۵) وی در این باره بدون مسامحه

بیان می‌کند که پس از ایمان آوردن به قرآن، ما با استمداد از آیه ۸۲ سوره

نساء: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»

متوجه این ویژگی می‌شویم که اگر این قرآن از جانب غیر خدا بود، در آن

اختلاف‌های فراوان مشاهده می‌شد؛ از این رو در قرآن اختلافی نیست. (سید

مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

ب) دیدگاه آیت‌الله فاضل(ره)

وجوه تبیین شده از نظر آیت‌الله فاضل(ره) عبارت‌اند از:

۱. شخصیت پیامبر(ص)

حضرت محمد(ص) به عنوان آورنده قرآن، چهل سال میان قوم خویش زیسته بود و آن‌ها کاملاً در جریان وضعیت و شرایط زندگی وحی قرار داشتند و می‌دانستند در هیچ‌یک از رشته‌های علمی و حتی شعر و ادبیات که تنها عامل برتری میان افراد به شمار می‌رفت، سررشته نداشت؛ پس چگونه چنین فردی می‌تواند کتابی جامع تمام کمالات لفظی و معنوی و قوانین و حدود مرزهای دینی و دنیوی تألیف کند، درحالی که وی خواندن و نوشتن نمی‌دانست؟ ایشان در همین خصوص از آیه ۱۰۳ سوره نحل: «وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» بهره می‌جوید و وجه مذکور را شامل مبارزه طلبی‌های خداوند در قرآن می‌شمارد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۸۸-۸۹)

۲. هم‌آوایی و عدم اختلاف، ایراد و انحراف در قرآن

آیت‌الله فاضل (ره) در اثبات هم‌آوایی قرآن و عدم اختلاف در آن می‌نویسد: «با تدبر در آیه ۸۲ سوره نساء که می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛ هم‌آوایی و عدم اختلاف در قرآن نتیجه گرفته می‌شود». ایشان در ادامه می‌نویسد: «از آن جایی که در قرآن اختلافی وجود ندارد، پس این کتاب از سوی خدا نازل شده است. گاهی خود قرآن عاری از تناقض‌گویی به عنوان کتاب نازل شده از سوی خدا مورد توجه قرار می‌گیرد و گاهی نیز قرآن با توجه به صفت عدم تناقض‌گویی است که باید مد نظر قرار بگیرد که در این حالت، قرآن علاوه بر ویژگی‌های اعتقادی، علمی، اخلاقی و... از سوی خدا فرستاده شده است. بدیهی است اگر کسی کار خود را براساس دروغ پایه‌ریزی

نماید، بی‌هیچ تردیدی به دام دوگانگی و تناقض‌گویی گرفتار خواهد بود». (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۹۰-۹۱) این جهت از اعجاز نیز به عقیده ایشان و با توجه به آیه ۸۲ سوره نساء همراه تحدی است.

۳. اخبار غیبی

این‌گونه اخبار در بسیاری از آیات ذکر شده است. در بخشی از آن‌ها قرآن عملاً دشمنان را به مبارزه فراخوانده، درحالی‌که در بخش دیگر، از مبارزه‌طلبی حرفی به میان نیامده است. داستان‌های گذشتگان مثل آیه ۴۴ سوره آل عمران: «ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَمَأْهُمْ آيُهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ» و غیب‌گویی از آینده مانند آیات ۹۴ تا ۹۶ سوره حجر: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ * الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» از اخبار غیبی‌اند که از نظر آیت‌الله فاضل(ره)، قرآن به‌طور کلی در این موارد تحدی دارد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۹۷-۹۸)

۴. بلاغت

از دیدگاه آیت‌الله فاضل(ره)، بلاغت قرآن از موارد دیگر است که قرآن کریم براساس آن، دشمنان خویش را به مبارزه فراخوانده است. ایشان معتقد است هر چند در قرآن با صراحت از این تحدی یاد نشده، ولی از بعضی آیات می‌توان متوجه این مطلب شد؛ برای مثال، آیات ۳۸ سوره یونس و ۱۳ سوره هود که به آوردن یک و ده سوره تحدی کرده است می‌تواند شاهی بر این وجه از اعجاز باشد. توضیح این‌که اولاً: تنها فضیلت اعراب زمان نزول، فصاحت و بلاغت آن‌ها بوده است و غیر از آن برای چیزی شأن و منزلت قائل نبودند؛ ثانیاً: مقابله‌به‌مثل، زمانی مصداق پیدا

تأملی در نظریه سیدمرتضی (ره) و آیت‌الله فاضل لنکرانی (ره) در خصوص وجوه اعجاز قرآن ۱۳۷

می‌کند که طرف مقابل نیز از ابزار مشابه برای مبارزه به اندازه کافی برخوردار باشد. پس هیچ تردیدی نیست که منظور این دو آیه، مبارزه طلبی فقط در بلاغت است و این به عنوان بُعد برجسته، نیازی به صراحت قرآن ندارد، زیرا با تدبر و اندیشه می‌توان به این واقعیت دست یافت. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۴)

آیت‌الله فاضل (ره) پس از ذکر این چهار مورد نتیجه می‌گیرد که قرآن تنها در بعضی موارد اعجاز‌انگیز خود به تحدی پرداخته است. در ضمن، در قرآن موارد اعجاز دیگر نیز وجود دارد که حرفی از تحدی در موردشان نزده است، هر چند می‌توانست در مقابل آن‌ها هم دشمنانش را به مبارزه طلبد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۱۰۹)

ایشان در ادامه، عناوین دیگری را متذکر می‌شود؛ مانند اصول اعتقادی، قوانین شرعی و اسرار آفرینش در قرآن که این موارد از نظر ایشان وجه اعجاز محسوب می‌شود و در شرح آن‌ها مثال‌هایی از آیات ذکر می‌کند، اما بیان می‌نماید که قرآن به این وجوه اعجاز خود تحدی نکرده است. (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۳۹)

ج) بررسی و نقد

چون بنای این دو دانشمند بزرگ در انتخاب وجه اعجاز مختلف است، طبیعتاً وجوه اعجاز هم نزد آنان متفاوت خواهد بود. با وجود این، با مطالعه دقیق در وجوه بیان‌شده از جانب آیت‌الله فاضل (ره) می‌توان به نکته‌های ذیل پی برد.

الف) شخصیت رسول خدا (ص) را که آیت‌الله فاضل (ره) آن را وجه اول اعجاز بیان می‌کند، اما سید مرتضی (ره) حرفی از آن نمی‌آورد،

نمی‌توان وجهی از وجوه اعجاز قرآن برشمرد. بلکه، از معجزات حضرت محمد(ص) بیان احادیث گهربار و کلام والای ایشان است که با وجود عدم تحصیل علم و ادبیات و... از ایشان صادر شده، اما در بحث وجوه اعجاز قرآن، هیچ‌کس این کتاب عزیز را کلام رسول(ص) ندانسته است که بخواهد تلاوتش از جانب شخصیت امّی ایشان را معجزه‌ای برای خود قرآن در نظر گیرد.

ب) مورد قابل بررسی دیگر، وجه عدم اختلاف است که سید مرتضی(ره) آن را وجه اعجاز ندانسته، اما آیت‌الله فاضل(ره) آن را پذیرفته است. در تبیین این وجه، آیه ۸۲ سوره نساء مورد توجه هر دو بزرگوار بوده است ولو با برداشت‌هایی کاملاً مختلف. همان‌طور که بیان شد، شریف مرتضی این ویژگی را از خصوصیات والای قرآن و فضایل برتر آن می‌داند، اما به عنوان وجه اعجاز و خرق عادت نمی‌پذیرد. برخی پنداشته‌اند سید مرتضی(ره) این آیه را دلیلی بر حقانیت پیامبر(ص) و قرآن نمی‌داند، (ر.ک: موسویان، ۱۳۹۳: ۵۳) اما چنین نیست، بلکه وی ضمن قبول این ویژگی قرآن، آن را جزء وجوه اعجاز قرآن نمی‌داند از این جهت که فقط با نگرستن به عدم اختلاف میان ظاهر و باطن آیات، بتوان به معجزه بودنش پی برد. البته نمونه‌های تاریخی نشان از اختلاف در متون و نیز در کلام بشر دارند و صد البته که دروغ‌گویان دچار تناقض‌اند، اما کلام اهل بیت(ع) را می‌توان استثنا کرد که هیچ‌گونه تناقضی در آن‌ها یافت نمی‌شود. از جهت دیگر، آیت‌الله فاضل(ره) آیه شریفه را دارای تحدی و از وجوه اعجاز می‌داند. در ظاهر این آیه، صراحت در تحدی مانند آیات تحدی مشهور دیده نمی‌شود، اما شاید بتوان در مضمونش به این مطلب

رسید. باوجوداین، نکته‌ای که در کلام آیت‌الله فاضل مورد توجه قرار گرفته، اثبات من عندالله بودن قرآن از این آیه شریفه است بدون توضیح و بسط بیشتر و روشن است این بیان برای اثبات وجه اعجازبودن قاصر است. درواقع آیه شریفه ضمن تشویق و تحریک به تدبر در قرآن به شکل استفهام، با این روش، حقانیت قرآن و از جانب خداوند بودنش را اثبات می‌کند، (طباطبائی، ۱۳۹۶ق، ج ۵: ۱۲۶) اما برای تبیین وجه اعجاز بودن، به تفصیل بیشتر نیاز دارد.

ج) اخبار غیبی، سومین وجه اعجازی است که اختلاف نظر این دو دانشمند در آن مشهود است. گذشته از عدم عرفی بودن تحدی به خبر غیب در زمان نزول، لازمه قبول این وجه آن است که اگر در تمام آیات نتوان اخبار غیبی یافت، براساس قاعده آیات مشهور تحدی، لااقل باید در مجموعه‌های کوچک آیات یا در هر کدام از سوره‌ها بتوان آن را مشاهده کرد، درحالی که با مراجعه به آیات قرآن کریم مشخص می‌شود چنین نیست و درواقع وجه اعجاز نمی‌تواند به بخشی از آیات اختصاص یابد. (سید مرتضی، ۱۳۸۷: ۱۱۶-۱۱۸) هم‌چنین آیاتی که آیت‌الله فاضل (ره) درمورد اخبار غیب مطرح کرده‌اند، موضوعات صحیح‌اند، اما تحدی در آن‌ها به چشم نمی‌خورد. درحقیقت، مبنای آیت‌الله فاضل (ره) در استخراج تحدی از میان آیات در این گونه موارد مشخص نیست. درضمن، نکته سوم در بیان سید مرتضی (ره) مبنی بر این که نقل اخبار گذشته و آینده، چه‌بسا فی‌نفسه ارزشمند باشد، اما نزد مردم قابل محک و معارضه نیست و حتی اگر صحت بعضی اخبار پس از گذشت زمان روشن شود، ولی در زمان

بیان خبر، رد یا تأییدشدنی نیستند، در کلام آیت‌الله فاضل بی پاسخ مانده است.

د) در تبیین وجه بلاغت، آیت‌الله فاضل(ره) نکته‌های قابل توجهی بیان می‌کند که با مبنای کلی سید مرتضی(ره) هماهنگی نسبی دارد؛ این که تنها فضیلت عرب آن زمان، فصاحت و بلاغت بود و منزلتی برای چیز دیگری قائل نبودند و مقابله زمانی صحیح است که مخاطب نیز از ابزار مشابه برخوردار باشد و نهایتاً این مطلب که وجه تحدی در برخی آیات صراحت ندارد و تدبیر و تفکر، راه رسیدن به آن وجه است. این‌ها نکته‌های است که سید مرتضی نیز بر آن‌ها اذعان دارد، اما سؤالی که پیش می‌آید این است که با وجود التزام آیت‌الله فاضل بر موارد مذکور، چگونه وجه اخبار غیبی، اعجاز علمی و... را میان وجوه اعجاز می‌گنجاند، درحالی که عرب آن زمان نه ادعایی در مورد اخبار غیب و علوم آفرینش و... داشتند و نه قدرت و اشتیاقی برای مقابله با این نوع تحدی‌ها؟ چگونه قرآن با مخاطبان‌اش در موضوعی تحدی می‌کند که از توانایی و ارزشمندی برای آن‌ها به دور بوده است؟

ه) سید مرتضی(ره) از علمای بزرگ شیعه بوده که فضلش مورد انکار کسی قرار نگرفته و بنابر آنچه از شیخ در فهرست و نیز از علامه طباطبائی در خلاصه نقل شده، وی در علوم کلام، فقه، اصول، ادب، شعر و لغت نسبت به سایر علما تقدم دارد. (میرمحمدی، ۱۳۷۱: ۳) البته تعدادی از علمای امامیه که تحت تأثیر سید مرتضی(ره) قرار داشتند، در مقطعی به «صرفه» گرایش پیدا کردند، اما طولی نکشید که این نظریه را ترک کردند، شاید به این دلیل که این نظریه کنایه‌ای ولو کوچک و یا گذرا به اعجاز درونی قرآن

که مبنی بر مضمون بی‌همتا و اسلوب بیانی منحصر به فرد آن است، داشت. این در حالی است که «صرفه» به این معناست که منبع اعجاز قرآن اراده‌ای خارج از خود قرآن است و کاملاً از آن مراقبت می‌کند و راه را بر مخالفان می‌بندد. (بصری، ۱۳۹۵: ۱۹) نهایتاً باید متذکر شد که ایشان از نظر قرب زمانی به محیط زبان قرآن و علم به ادبیات عرب، رتبه بالاتری دارد^۱ که نظریاتش در مورد فصاحت و نظم بی‌اعتنایی کرد و چه بسا به بررسی و تکمله‌های بیشتر نیاز دارد، هر چند آیت‌الله فاضل (ره) تقریری ولو منفی در مورد این نظریه نداشته‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از بررسی و تحلیل دیدگاه سید مرتضی (ره) و آیت‌الله فاضل (ره) در خصوص وجوه اعجاز قرآن و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، نتایج زیر حاصل گردید:

سید مرتضی (ره) و آیت‌الله فاضل (ره)، اعجاز قرآن را از اعتقادات محکم و راسخ همه مسلمانان می‌دانند و تصریح می‌کنند این که هر کس با مطالعه و تدبر در قرآن به وجهی از اعجاز آن اعتراف می‌کند و هر بُعد

۱. برای مطالعه مهم‌ترین مصادر بیان شهرت شریف مرتضی در شرق و غرب، ن.ک: شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۹۹ و ۱۰۰؛ *همو الرجال*، ص ۴۸۴ و ۴۸۵؛ *رجال نجاشی*، ص ۲۷۰ و ۲۷۱؛ ابن شهر آشوب، *معالم‌العلماء*، ص ۶۱-۶۳؛ *عنایت‌الله قهبایی، مجمع‌الرجال*، ج ۴، ص ۱۸۹-۱۹۱؛ عبدالله مامقانی، *تنقیح‌المقال*، ص ۲ و ۱؛ سید ابوالقاسم خوئی، *معجم رجال‌الحديث*، ج ۱۱، ص ۳۹۴-۳۹۸؛ شیخ حر عاملی، *أمل‌الآمل*، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۵ و میرزا حسین نوری، *مستدرک‌الوسائل*، ج ۳، ص ۵۱۵-۵۱۷.

قرآن موجب شگفتی و تحسین اهل آن علم است، نشان فضل قرآن بر هر معجزه، متن و بیان مشابه است.

تفاوت‌هایی که دو بزرگوار در بیان وجوه اعجاز مطرح کرده‌اند به تفاوت مبنایی آنان در تعریف «معجزه» برمی‌گردد. همراهی معجزه با تحدی، امری است که در شروط تعریف آیت‌الله فاضل(ره) گنجانده شده، اما سید مرتضی آن را جزء مبنایی معجزه به شمار نیاورده است. مسئله «تحدی» و «وجوه اعجاز» نزد سید، دو مقوله جدا هستند، درحالی که آیت‌الله فاضل(ره) آن‌ها را کاملاً مرتبط و منطبق با هم می‌داند و به دنبال این نظریه، هر وجهی که بتوان تحدی‌اش را در قرآن ثابت کرد، از نظر ایشان می‌تواند از وجوه اعجاز باشد.

از مباحثی که در کلام آیت‌الله فاضل(ره) به بررسی بیشتر نیاز دارد این است که ایشان در تعریف و شروط اعجاز، بحث تحدی را مطرح می‌کند، ولی در مثال‌ها و وجوهی که به عنوان اعجاز بیان می‌نماید، وجوهی هست که همراه تحدی نیست و عنوان می‌کند که این وجوه قابلیت تحدی دارند. بنابراین به نظر می‌رسد طبق روش ایشان باید در تعریف معجزه، قابلیت تحدی مشروط می‌شد، نه همراهی با تحدی. در ضمن، مبنای ایشان برای تشخیص تحدی در آیات، مشخص نیست و بیانشان به توضیح بیشتر نیاز دارد.

درنهایت به نظر می‌رسد تمام جنبه‌های عالی قرآن در کنار هم و همراه با «صرفه» - با درنظر گرفتن معنای محافظت خارجی از دست‌برد و مقابله با قرآن - می‌توانند با هم، تک‌بعد عظیم اعجاز قرآن به‌شمار آیند و در این مسئله تناقضی نیست؛ یعنی قرآن در ضمن داشتن فصاحت و بلاغتی والا،

معانی، معارف و مفاهیم ارزشمند، عرفان، علم، حکمت و ابعاد منحصر به فردی دارد که مجموعه آن‌ها از توان مقابله انس و جن خارج است و البته، قدرت خارجی‌ای نیز آن را محافظت می‌کند. هم‌چنین گذشت زمان، ابعاد بیشتری از شگفتی‌های قرآن را نمایان خواهد کرد، همان‌طور که تا به حال چنین بوده است. هر کس در هر موضوعی متبحر می‌شود و با آن نگاه به قرآن می‌نگرد، همان وجه را اعجاز و خارق‌العاده می‌شناسد و چه بسا به علت عمق وجه مورد پردازش و قصور معرفت انسانی، از وجوه دیگر باز می‌ماند، چنان‌که به فرمایش امام راحل، هم‌افق‌های عرب زمان نزول، فقط به ترکیبات لفظیه و محسنات بدیعیه و بیانییه قرآن می‌پردازند و آن‌ها که با اسرار معارف آشنا شده‌اند، والاترین وجه قرآن را معارف عالیه می‌دانند و به وجوه دیگر توجهی ندارند. (خمینی (ره)، ۱۳۹۴: ۲۶۳) از این رو محصور نمودن ابعاد اعجاز و بسنده کردن به عقل و فهم فعلی از آن‌ها، چندان به صواب نزدیک نیست.

فهرست منابع

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، مكتب الاعلام الاسلامي، قم ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، نشر دار احياء التراث العربی، بیروت ۱۴۱۵ق.
۳. بصری، علی، الموضح عن جهة اعجاز القرآن، ترجمه كبرا قیطاس زاده، دانشگاه یاسوج، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵.
۴. بهجت پور، عبدالکریم، «بررسی سیر تنزیلی آیات تحدی»، نشریه قیسات، شماره ۷۷، قم، پاییز ۱۳۹۴.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، دارالعلم، بیروت ۱۴۰۴ق.
۶. حسینی، سید جعفر بن سید باقر، اسالیب البیان فی القرآن، چاپ اول: انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۷.
۷. حمصی، نعیم، تاریخ فکرة اعجاز القرآن، [بی نا]، دمشق ۱۳۷۴ق.
۸. خمینی، روح الله، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران ۱۳۹۴.
۹. خوری شرطونی، سعید، اقرب الموارد، انتشارات اسوه، تهران ۱۴۱۴ق.
۱۰. درزی، قاسم و دیگران، «ارزیابی میزان توجیه پذیری و صدق نظریات اعجاز قرآن در نظریه های کلاسیک معرفت شناسی»، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، شماره ۴۸، تهران، پاییز ۱۳۹۵.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، نشر ذوی القربی، قم ۱۴۲۶ق.

تأملی در نظریه سیدمرتضی (ع) و آیت‌الله فاضل لنکرانی (ع) در خصوص وجوه اعجاز قرآن ۱۴۵

۱۲. رضوی، سیدمحمد، «اعجاز قرآن»، نشریه حدیث و اندیشه، شماره ۳ و ۴، قم ۱۳۸۱.

۱۳. روحانی مشهدی، فرزانه، «تبیین ریشه‌های قرآنی اندیشه کلامی اعجاز قرآن»، نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۲، تهران، زمستان ۱۳۹۴.

۱۴. شریف مرتضی (سیدمرتضی)، علی بن حسین موسوی، الموضح عن جهة اعجاز القرآن (الصرفه)، چاپ دوم: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۸۷.

۱۵. _____، طیف‌الخیال، تحقیق: سیدمحمد کیلانی، شرکت مکتبه و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، قاهره ۱۹۵۵م.

۱۶. صفرزاده، مهدی، «کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی نظریه صرفه»، نشریه میراث شهاب، شماره ۸۶، قم ۱۳۹۵.

۱۷. صفی پور شیرازی، عبدالرحیم، منتهی‌الارب، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۹۰.

۱۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم: دار الکتب الاسلامی، تهران ۱۳۹۶ق.

۱۹. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، مؤسسة الوفا، تهران، ۱۴۰۳ق.

۲۰. غروی‌ان، محسن، «قول به صرفه از دیدگاه آیت‌الله مصطفی خمینی درباره تحدی قرآن»، نشریه معرفت، شماره ۳۵، قم، مرداد و شهریور ۱۳۷۹.

۲۱. فاضل لنکرانی، محمد، المدخل‌التفسیر، مطبعة الحیدری، تهران ۱۳۹۶ق.

۲۲. _____، مقدمات بنیادین علم تفسیر، ترجمه محمد رسول دریایی، چاپ اول: انتشارات بنیاد قرآن، تهران ۱۳۸۱.

۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب‌العین، نشر هجرت، قم ۱۴۱۰ ق.
۲۴. کریمی‌نیا، مرتضی، «ریشه‌های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۱، تهران، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۲۵. مسترحمی، سیدعیسی، «اعجاز نجومی قرآن»، دوفصل‌نامه قرآن و علم، شماره ۷، قم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۲۶. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامی، قم [بی تا].
۲۷. موسویان، سیدابوالفضل، «عدم اختلاف در قرآن، اعجاز یا دلیل»، مجله پرتو وحی، شماره ۱، قم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
۲۸. مؤدب، رضا، اعجاز قرآن، چاپ اول: انتشارات احسن‌الحدیث، قم ۱۳۷۹.
۲۹. میرمحمدی، سیدابوالفضل، «تحدی و صرفه»، مجله مقالات و بررسی‌ها، شماره ۵۱ و ۵۲، تهران، زمستان ۱۳۷۰.
۳۰. نادری، مرتضی، «آرای سید مرتضی در وجه اعجاز قرآن»، فصل‌نامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال نهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۰.